

# قلعه های حشاشین

## ○ بهروز نوروززاده چگینی

میناتور از کتاب «شاهنامه چنگیزی» نسخه مدرسه سپهسالار هولاکوخان، «قلعه میمون دژ» را تصرف می کند و خود شاه برای زینهار خواستن از قلعه بیرون آمده است

### مقدمه:

توجه به جغرافیای تاریخی را می توان از عوامل مهم در روشن شدن نکات پوشیده در تاریخ هرسرزمینی دانست و در این راستا از ورای آن می توان به بسیاری از نکات تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که امکان مکتوب شدن آنها در گذر زمان و بحبوحه تاریخ نبوده است، دست یافت. نکاتی که با پیوستگی آنها می توان رازهای پوشیده در حیات هر قوم و ملتی را آشکار کرد و البته این مهم میسر نیست مگر با تحقیقات علمی و دقیق توسط پژوهشگران متخصص و متعهد.

از تأثیرگذارترین نهضت های سیاسی اجتماعی در حیات تاریخی سرزمین ایران و نیز ممالک اسلامی می توان از نهضت انقلابی شیعی اسماعیلیه (۴۸۳-۶۵۴ هجری قمری) نام برد. در زمینه تاریخ شکل گیری و تداوم این نهضت کتاب های زیادی در طول سده گذشته به رشته تحریر درآمده است. ولی در مورد جغرافیای تاریخی این نهضت و مناطق و قلعه های آنان در طول ۱۷۰ سال و اندی که بر مسند قدرت بوده اند، هیچ گونه تحقیق مفصل و مبسوطی انجام نشده است. به جز تک نگاشت هایی که یا به صورت کلی این مهم را مدنظر قرار داده اند و یا اینکه به مناطقی خاص اشاره کرده اند که از این نوشته ها کتاب هایی مانند: الموت و لمیسر نوشته ولادیمیر ایوانف، سفرنامه الموت نوشته خانم فریا استارک؛ قلاع اسماعیلیه در رشته کوه های البرز نوشته منوچهر ستوده؛ سرزمین قزوین نوشته پرویز ورجاوند و برخی مقالات منتشره توسط محققان داخلی و خارجی را می توان نام برد.

از جمله کتاب های نوشته شده در زمینه جغرافیای تاریخی مربوط به سرزمین های تحت نفوذ اسماعیلیه کتاب قلاع حشاشین<sup>۱</sup> نوشته پیتر





**«پیتر ویلی» مندرجات «جوینی»  
در «تاریخ جهانگشا» را  
اساس اثبات نظریه خود قرار  
داده است. همچون محیط اطراف  
قلعه برای سپاه عظیم هولاکو که  
گویا حدود صد هزار نفر بوده است.  
وجود قلعه روی قله ای رفیع و بلند،  
ساخت برج و بارو از سنگ و گچ،  
برج عظیم مرکزی در قلعه،  
وجود یک چشمه در یک فرسنگی  
برای آوردن آب به قلعه و سه  
چشمه دیگر در پیرامون  
محوطه سخره، وجود یک قله  
آتشفشانی، وجود شهرک کفر در  
کنار قلعه (منظور، معلم کلایه)**

یادداشت برداری و کسب اطلاعات از ساکنین هر محل.  
کتاب در چهارده فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

فصل اول: در این فصل که به سفر اول در سال ۱۹۵۹ میلادی ۱۳۴۸ شمسی مربوط است، نویسنده ضمن ذکر اهداف سفر و پیدا کردن سخره

ویلی، محقق انگلیسی است. این کتاب حاصل سه سفر اکتشافی ویلی و گروهش، طی سالهای ۱۹۶۱-۱۹۵۹ میلادی ۱۳۳۸-۱۳۴۰ شمسی به مناطق گیلان، دیلمان، اشکور، دره الموت و رودبار است که پایگاه مرکزی نهضت اسماعیلیه در شمال ایران محسوب می شده است.

نوشته زیر بررسی مختصری است درباره این کتاب باتوجه به متن و با نگاهی به برخی از مآخذ مربوط به متن.  
انگیزه سفر اکتشافی:

باتوجه به متن کتاب حاضر، مهمترین دلایل سفر را می توان به صورت زیر ارائه کرد:

۱. پیدا کردن محل واقعی قلعه موسوم به میمون دژ که به سال ۶۵۴ هجری / ۱۲۵۲ میلادی در حمله هولاکو خان مغول به ایران، تصرف و ویران شد و با سقوط این قلعه و تسلیم تدریجی سایر قلاع، فرقه اسماعیلیه پس از ۱۷۰ سال از صحنه تاریخ ایران محو شد.

۲. بررسی سراسری قلعه های اسماعیلیه در مناطق گیلان، دیلمان، اشکور، دره الموت و رودبار و تهیه نقشه های زمینی توپوگرافی قلاع اسماعیلیه، همراه با گرفتن تصاویر و فیلم از این مناطق و حفاری در مناطق مورد بازدید برای یافتن ظروف سفالی و دیگر اشیاء، در این محل ها.

۳. مطالعه روش های اقتصادی، کشاورزی و روش زندگی، پزشکی و نحوه زندگی مردم درالموت ضمن تهیه تصاویر و گرفتن فیلم و

شمس کلایه باتوجه به مندرجات تاریخ جهانگشای جوینی، محل را همان محل قلعه میمون دژ می پندارد. ویلی در این سفر به بررسی دره قلعه الموت در ده گازرخان نیز می پردازد. وی پس از بازگشت به انگلستان نتایج کار خود را به موزه بریتانیا و دکتر اشترن ارائه می دهد که آن ها نیز فرضیه او را مورد تأیید قرار می دهند.

فصل دوم: شرح اهداف سفر و تهیه مقدمات سفر از انگلستان و تشکیل هیأت های مختلف پزشکی، باستان شناسی، نقشه برداری و فراهم کردن تجهیزات مربوطه.

فصل سوم: اعزام گروه پیشاهنگ و شروع سفر و ورود به تهران و دیدارهایی با مقامات ایرانی و اخبار سفر.

فصل چهارم: این فصل به بررسی قلعه تاریخی سمیران (سمیران) و مناطق اطراف آن از جمله قلعه گبری ها، حمام های اسلامی، برج های غرب و جنوب غربی، منار سمیران، مسجد، قبرستان شرقی قلعه و نیز ارائه برخی بررسی ها چون مقاله ولادیمیر مینورسکی درباره سمیران و سازمان حشاشین اثر مارشال هاجسن می پردازد.

فصل پنجم: حرکت ویلی و گروه همراه از جاده قزوین به سمت قلعه سمیران یا دژ تاج طارم، بحث در مورد سد تازه ساخته شده منجیل توسط شرکت فرانسوی ساسر و تأثیر آن در منطقه تاریخی سمیران، همراهی ابوالفضل آل بویه با گروه ویلی و راهنمایی های او درباره شهر و قلعه

سمیران، پیشینه دیدارهای قبلی از محل سمیران توسط افرادی چون سر هنری راولینسون در ۱۸۳۸م و ژولویوس سزار هانسه، پزشک آلمانی در ۱۸۵۹م، توصیف شهر و قلعه قدیمی سمیران واقع در ناحیه کوهستانی طارم در قلعه قزل اوزن که بر روی چند تپه بلند ساخته شده است. پیشینه تاریخی قلعه و تسلط دیلمیان و نیز حشاشین بر این قلعه و پیوند دادن پیامدهای تاریخی قلعه از خلال تحقیقات ویلی. شرحی مسسوط از قلعه و استحکامات اصلی آن که در انتهای شرقی قلعه قرار گرفته و شناساندن محدوده قلعه و دیوارهای اصلی بیرونی آن، توصیف بناهای واقع در ارتفاعات صخره‌های اطراف از جمله برج‌های سمیران، گورستان سمت شرقی قلعه و مناره سمیران.

تصاویر ضمیمه شامل: منظره هوایی قلعه و شالوده آن، آرامگاه شرقی سمیران، آرامگاه بزرگ سمیران و کتیبه گچبری آن، نقشه سمیران و راههای مال رو و جاده آن.

**ویژگی دیگر کتاب، بررسی زندگی مردم دره الموت و رودبار از جنبه‌های مختلفی همچون کار و کسب اهالی، جنبه‌های اقتصادی زندگی، کشاورزی و دامداری، محصولات و گیاهان، آداب و رسوم اهالی همچون ازدواج، عقاید دینی، لباس پوشیدن، آداب معاشرت و برخورد اهالی با بیگانگان است**

فصل ششم: سفر به منطقه اشکور از طریق رودسر و بررسی درباره مناطقی چون: قلعه چاله، پلم، تپه‌های دیارزان و قبرستان زردشتیان، ده رودبارک، دارود، ریزاب (عزیز)، چکه رود و پل رود، گل‌خانی، قلعه لیما، برج کوه، سه پل، پرمکوه و قلعه پرمکوه، قطعه طولاً، تپه‌های شویله، کاشان (کجان)، کل کاجموس، مقبره حمداًباد، مقبره آستانه سوری، لسبو و قلعه و آب انبار آن، کشککه در، بلکوت، شویله، کرکرد و امش می‌پردازد. از مطالب مهم این بخش ذکر حفاری‌های دیارزان در ۱۹۵۸ و کشف مجسمه دیارزان، کنترل بی‌پایه و سست وزارت فرهنگ روی آثار بازمانده هنری، انتخابات ایران؟ نحوه رأی‌گیری در ایران، حفاری‌های اطراف

قلعه طولاً در مشرق پلرود را می‌توان ذکر کرد. فصل هفتم: بازدید و بررسی مناطق کرکارود، شویله، دره پلرود و قبور باستانی، ارکم، یاسور، سنگسرو، پراندون، لوسان، داغان، بلترک، لیاسی و قبور گبرها، قلعه کونتی، شهرک لوسان و حمام تاریخی، قلعه کاشانه، قلعه‌گیری، سواره (سایرده - سویرده)، ورود به دره الموت از راه ده سفیدآب و دیدار از وشته و قلعه وشته و ده دیکین است.

فصل هشتم: این فصل را می‌توان مهم‌ترین فصل کتاب دانست. عبور از لمسر، شمس کلایه، قلعه نویز شاه و رسیدن به معلم کلایه و صخره میمون دژ. ویلی در ابتدا باتوجه به مندرجات تاریخ جهانگشای جوینی و وصف قلعه از نظر او، دلایل اثبات نظریه خود را مبنی بر اینکه این محل همان قلعه میمون دژ است، همچون محیط اطراف قلعه برای سپاه عظیم هولاکو که گویا حدود صد هزار نفر بوده است، وجود قلعه روی قله‌ای رفیع و بلند، ساخت برج و بارو از سنگ و گچ، برج عظیم مرکزی



در قلعه، وجود یک چشمه در یک فرسنگی برای آوردن آب به قلعه و سه چشمه دیگر در پیرامون محوطه صخره، وجود شهرک کفر (منظور معلم‌کلایه) در کنار قلعه را براساس مندرجات تاریخ جهانگشا برمی‌شمارد.

عکسبرداری از صخره و وصف استحکامات و غارهای موجود در محوطه صخره (در اینجا ویلی این استحکامات را با استحکامات صخره جبل‌الطارق مقایسه می‌کند)، توصیف دیدار از قسمت‌های داخلی و غارها در سفر سال ۱۹۶۱ م ۱۳۴۰ ش. همراه هیأت استواریت و ایزارد، و ذکر نحوه ساخت غارها به منظور سکونت و دفاع، شرح دیدار با ایوانف، محقق روسی و تأکید ایوانف بر

بررسی قلعه الموت در گازرخان از دیگر مطالب این فصل است.

فصل نهم: در این فصل نحوه برپایی اردوگاه اصلی در شمس کلایه و برنامه کاری هیأت برای محل خواب و تجهیزات، برنامه کار و تهیه غذا و امور بهداشتی و نیز انجام کارهای بهداشتی برای روستاییان آورده شده است.

فصل دهم: شرح سفر هیأت به سوی الموت از طریق اندج و دیدار از قلعه اندج و غارهای نزدیک ده اندج، عبور از ده خشکه چال و دیدار از مقبره موجود در آن که به قول اهالی مقبره حسن صباح بوده است و لوحه‌ای که ۱۵۰ سال قبل در آنجا کشف شده است و وصف زندگی مردم دره الموت، جمع‌آوری مالیات، محصولات، غذای اهالی، گیاهان، ازدواج و غیره و در نهایت بررسی قلعه الموت از دیگر مطالب این بخش است.

فصل یازدهم: این فصل با ذکر افسانه‌های مربوط به مرگ حسن صباح و نیز آمدن عمر خیام شاعر به قلعه و روابط او با حسن صباح آغاز می‌شود و در ادامه شرح حرکت گروه از طریق مسیر گرمارود، زوارک، کوه خاک کافران (ضمن اشاره به حفاری قبور زردشتی در قله کوه)، و بررسی قلعه نویز شاه روی قله انارک دنگار و فرض این قلعه به عنوان قلعه میمون دژ با توجه به اشارات جوینی در تاریخ جهانگشا را با ذکر دلایلی منتفی می‌داند. بررسی دیگر مربوط به قلعه ایلان است که ویلی ضمن اظهار به بازدید خانم فریا استارک از این قلعه، به توصیف قلعه، غارهای موجود در ایلان و سیستم آبرسانی قلعه می‌پردازد. مطالب انتهایی این بخش عبور از کوشک دشت و خرابه‌های موسوم به بازار، وصف شهرک و قلعه موجود در آن است. ویلی در این فصل به دیدار خود با کربلایی عزیز رضایی گومرودی، راهنمای فریا استارک در سفر به الموت نیز اشاره می‌کند.

فصل دوازدهم: حرکت گروه به سمت شیرکوه و عبور از بدشت (با دشت)، ده قره در (قوره در) و بررسی قلعه اصلی شیرکوه و دو قلعه برج و برجک و نیز توضیحاتی درباره مراغی‌های ساکن روستای قره در، و ورود به رودبار و عبور از ده کرمچال (کارنده چال)، شهرستان بالا، حرکت از شاخه نینه رود به طرف ده منصور باغ و دیدار از قلعه لمسر و اشاره به تونلی ۵۴۰ متری در داخل کوه در لمسر موسوم به کانال بزرگ امید.

فصل چهاردهم: این فصل نوشته ریچارد مورا دونت از اعضای هیأت ویلی و درباره منطقه دیلمان است که در آن مطالب مهمی درباره حفاری‌های غیرمجاز در دیلمان و شیوع تب حفاری توسط مردم و مالکان محلی کوچک و بزرگ و مبارزه ماموران دولتی و پلیس با آنها آورده شده است. از جمله مناطق مورد بازدید هیأت: سیاهه چال، دلار چند،

پلورود، بویه، مریودهی نزدیک چکه رود و پیرکوه است و توضیحاتی درباره حفاری هیأت در مناطق سیاه‌چال و بویه و مریو آورده شده است. کتاب در انتها شامل چند پیوست به شرح ذیل است:

الف: «حسن صباح و اسماعیلیان نزاری» که در رابطه با زمینه‌های مذهبی دعوت اسماعیلیه نوشته شده است.

ب، بعضی از ملاحظات جغرافیایی دره الموت رود در ناحیه سلسله جبال البرز نوشته کولین ولک که از اعضای هیأت اکتشافی ویلی بوده است و در این بخش از ابعاد مختلف زمین‌شناسی منطقه آب و هوا و تحولات زمینی و طبقات آن و نیز نباتات

دورنمایی از صخره «میمون دژ»

مکسوفه در اشکور همراه با برخی طرح‌ها در مورد سفال‌های پیدا شده فراهم آمده است.

د: توضیحاتی درباره شمس کلایه به قلم چنگیز شیخلی. وی همراه گروهی در سال ۱۳۶۳ از محوطه درونی غارهای شمس کلایه و برخی از مناطقی که گروه ویلی موفق به دیدار آنها نشده‌اند بازدید کرده است و درباره محوطه‌های مختلف این غارها همچون اسب طویله، آب انبار، گزنه سوراخ - کوه قلعه غار قبله لوکا - غار گرم لوکا و غیره مطالبی جدید ارائه می‌دهد.

#### ویژگیهای متن:

کار هیأت اکتشافی ویلی را می‌توان در وجهی خاص از لحاظ کندوکاو در مسایل جغرافیایی

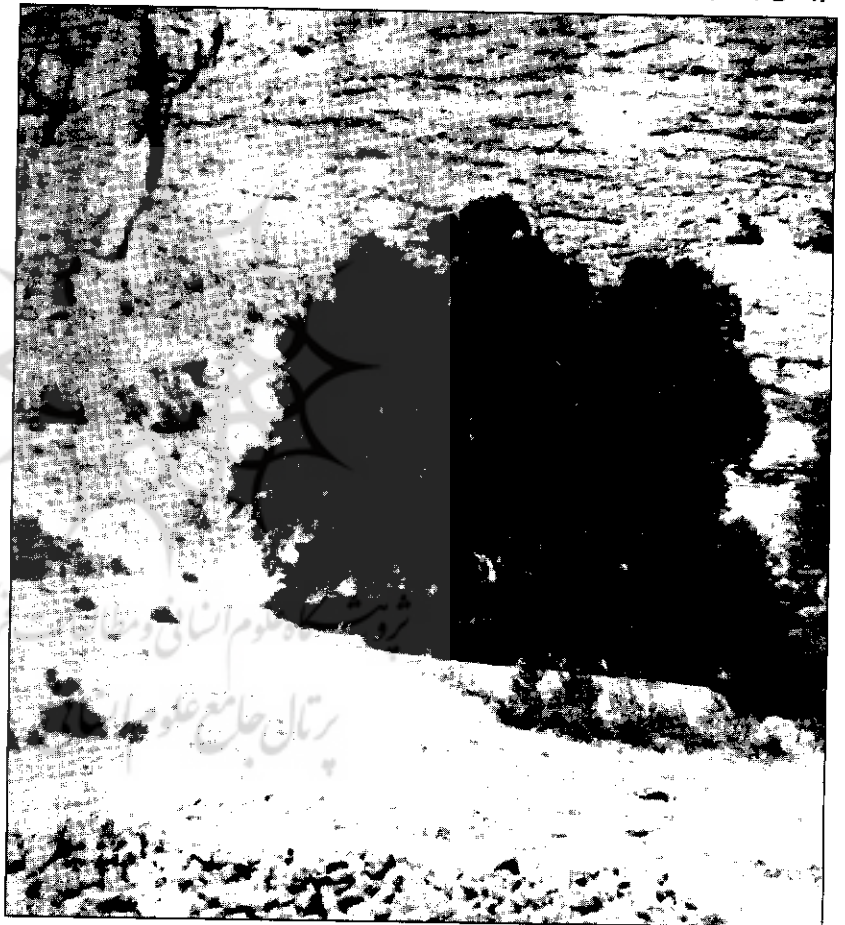
الف: شناسایی جامع مجموعه غارهای تاریخی شمس کلایه که پیش از این تنها به اسم آن اشاره شده بود<sup>۱</sup> و شاید هم معدودی افراد محلی موفق به ورود به این غارها شده بودند. علاوه بر این، مشاهده برخی از قلعه‌های مربوط به دوره اسماعیلیه و ارائه اطلاعاتی درباره آنها که برای اولین بار صورت گرفته است، از نظر تاریخی محض و از نظر اینکه طی چهل سالی که از سفر این هیأت می‌گذرد، هیچ‌گونه مشاهده و تحقیق علمی درباره برخی از مشاهدات این گروه انجام نشده، حائز اهمیت بسیار است. از این موارد می‌توان مطالب مربوط به حفاری در شویله و لوتوسان در اشکور، بازدید و وصف قلعه و غارهای اندج، دیدار از قلعه موسوم به نویز شاه در ارتفاعات گرمارود، دیدار از قلعه‌های اندج، ایلان، گرما رود و شیر کوه، و برخی از مناطق دیلمان را نام برد.

ب: ویژگی دیگر کتاب، بررسی زندگی مردم دره‌الموت و رودبار از جنبه‌های مختلفی همچون کار و کسب اهالی، جنبه‌های اقتصادی زندگی، کشاورزی و دامداری، محصولات و گیاهان، آداب و رسوم اهالی همچون ازدواج، عقاید دینی، لباس پوشیدن، آداب معاشرت و برخورد اهالی با بیگانگان است.

ج: ارائه طرح‌ها و نقشه‌های مربوط به منطقه قلعه‌های سمیران، قلعه لمسر، قلعه الموت، قلعه میمون دژ (شمس کلایه) دره الموت رود، منطقه دارود، و غیره که مزیتی مهم برای این کتاب است. با این همه برخی ملاحظات را نمی‌توان نگفته گذاشت:

#### الف: هدف اصلی هیأت اکتشافی:

هرچند اهداف سفر هیأت در کتاب شرح داده شده است و شاید هدف اصلی را با توجه به متن بتوان کشف محل قلعه میمون دژ، مقر آخرین حکمران فرقه اسماعیلیه دانست، هدفی که حتی پس از گذشت چهل سال هنوز باعث آن نشده است که یک هیأت ایرانی اقدام به انجام آن کند (منتهای گروه شیخلی در سال ۱۳۶۳ که آن هم سوای چند صفحه مطلب جدید کاری از پیش نبرده و پس از ۱۷ سال گزارش کاری خود را منتشر نکرده است) ولی باتوجه به انگیزه‌های پنهانی این سفر که شاید حفاری در مناطق مورد بازدید به جهت کشف آثار باستانی با ارزش و خروج آنها از کشور بوده باشد (همچون گنجینه الموت) بتوان انگیزه اصلی این سفر را دریافت. در مقدمه مؤلف بر کتاب<sup>۲</sup> می‌توان نام افرادی از موزه بریتانیا (که مخزن آثار عتیقه کشف شده از تمدن‌های کهن یونان و روم و مصر و ایران و... است) و نام مقامات عالی رتبه حکومتی در ایران همچون وزیر دربار (حسین علاء)، وزرای فرهنگ، بهداشتی، جنگ، سازمان امنیت، و شورای عالی باستان‌شناسی ایران و شورای موزه ایران



تاریخی دره‌الموت و رودبار در مناطق پیرامون آن اثری ارزشمند تلقی کرد. این اثر جزو آثار انگشت شماری است که به صورتی تفصیلی در این باره نوشته شده است. به هر صورت این هیأت اکتشافی هرچند اهداف خاصی را در این اکتشاف مدنظر داشته است، ولی توانسته در شناساندن برخی از ویژگی‌های مربوط به جغرافیای تاریخی، اجتماعی و انسانی مربوط به مناطق مورد بازدید موفق باشد. از این جمله است:

طبیعی و محصولات اطلاعات مفیدی درباره پوشش گیاهی منطقه، ریزش باران، کشت و زرع، مبادلات غذایی، پوشاک مردم و مهاجرت ارائه شده است.

ج: سفالگری در دوره هشامین نوشته رالف پیندر ویلسن، محقق انگلیسی، در این بخش مطالبی درباره سفال‌های یافت شده از مناطق مورد بازدید، سفالگری ایرانی، سفالگری عهدسلجوقیان، سفال‌های نقش‌دار، کاشی‌های فیروزه‌ای لعابدار

باستان و برخی از مقامات صاحب نفوذ همچون ابوالفضل آل بویه، دکتر الموتی، دکتر حسین علوی و منجمله شرکت ملی نفت ایران را می‌توان دید، که حاکی از اهمیت زیاد کار هیأت می‌باشد.

در شرح اهداف سفر، یکی از اهداف، کشف و بازآوردن هرچیز باستانی مربوط به حشاشین اعم از سکه و سفال قید شده است (متن ص ۳۰-۳۱) از دیگر موارد، توجه به مسایل باستان‌شناسی و به دست آوردن ظروف سفالی و دیگر اشیاء قید شده است (متن ۳۹-۴۸). در نهایت در مورد نتایج سفر هیأت اکتشافی و دست آوردها و کشفیات هیأت، اطلاعات جامعی داده نشده است. حال آن که در متن، اشاراتی دال بر کشفیات آثار وجود دارد. منجمله یافته‌های وسیع در شویله (متن ص ۱۵۲) یافته‌ها در لوتوسان (متن صفحات ۱۷۶ و ۱۸۲، ۳۴۸-۳۵۱ و ۳۵۲) و تهیه جعبه‌های مخصوص برای قرار دادن اشیاء مکشوفه (ص ۳۵۵ و ۱۸۷-۱۸۸ و ۴۹-۵۰) مضاف بر این، در مواردی هیأت اقدام به خرید اشیاء عتیقه از مردم نیز کرده است (متن ۲۷۰-۲۷۱). و اینکه در خاتمه سفر، دینار با مسئولان موزه داشته و کشفیات خود را به موزه ارائه داده و سپس آنها را پس گرفته، امری عجیب است (متن ص ۳۲۵).

ب: نظرات نویسنده درباره محل قلعه میمون دژ:

ویلی مندرجات تاریخ جهانگشای جوینی را اساس اثبات نظریه خود قرار داده است. همچون محیط اطراف قلعه برای سپاه عظیم هولاکو که گویا حدود صد هزار نفر بوده است، وجود قلعه روی قله‌ای رفیع و بلند، ساخت برج و بارو از سنگ و گچ، برج عظیم مرکزی در قلعه، وجود یک چشمه در یک فرسنگی برای آوردن آب به قلعه و سه چشمه دیگر در پیرامون محوطه صخره، وجود یک قله آتشفشانی، وجود شهرک کفر در کنار قلعه (منظور معلم کلایه).

مترجم متن با توجه به اظهارات ویلی از شک و تردید ویلی پس از دیدن قلعه‌های موجود در قلعه نویز شاه در ارتفاعات گرمرد، قلعه شیرکوه (متن ۲۹۲-۲۹۳)، و قلعه ایلان (متن ۴۰۹-۴۱۰) نظرات ویلی و نیز نظر دکتر ستوده در مورد اینکه محل قلعه نویز شاه در گرمارد است<sup>۵</sup> را قابل تردید می‌داند. نکته مهم در اینجا برای اثبات مکان قلعه میمون دژ عدم توجه محققان به دو نکته اساسی است.

۱: اولین نکته این که تا وقتی تحقیقاتی علمی در منطقه صورت نگیرد نمی‌توان به ادعای چنین نظرانی آن هم به صورت قاطع پرداخت.<sup>۶</sup>  
 ۲: نکته دوم اینکه باید به اشارات موجود در کتاب‌های تاریخی ماقبل و مابعد از فرقه اسماعیلیه ولو به صورتی جزئی توجه داشت تا بتوان زمینه‌ای آشکار برای طرح چنین نظرانی را ایجاد کرد.

## مشاهده برخی از قلعه‌های مربوط به دوره اسماعیلیه و ارائه اطلاعاتی درباره آنها که برای اولین بار صورت گرفته است، از نظر تاریخی محض و از نظر اینکه طی چهل سالی که از سفر این هیأت می‌گذرد، هیچ‌گونه مشاهده و تحقیق علمی درباره برخی از مشاهدات این گروه انجام نشده، حائز اهمیت است

ج: اطلاعاتی درباره قلعه میمون دژ:

درباره قلعه موسوم به میمون دژ می‌توان اطلاعاتی به شرح زیر ارائه کرد که عمدتاً از کتاب‌های معاصر با اسماعیلیه، و برخی نیز دوره قبل و بعد از اسماعیلیه نوشته شده‌اند مانند جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (مقتول به سال ۷۱۸ هجری) و دیگر زبدة التواریخ جمال‌الدین ابوالقاسم کاشانی (متوفای ۷۳۶ هجری) و تألیف به سال ۷۰۰ هجری و سومین کتاب مجمع التواریخ سلطانیه اثر حافظ ابرو (متوفای ۸۳۴ هجری است) که هر سه اثر براساس منابع اسماعیلی نوشته شده‌اند. برخی از این اشارات تاریخی چنین است:

۱. قتل ابوالحسن ربیع بیهق که به موخره میمون دژ شده بود به دست فدایی دماوندی سال ۴۹۱ هجری.<sup>۷</sup>
۲. در دهم ربیع‌الاول سنه عشرين و خمسمائه میمون دژ بفرمود ساختن، عهد کیابزرگ امید سال ۵۱۰ هجری.<sup>۸</sup>
۳. دهم ربیع‌الاول عشرين و خمسمائه عمارت میمون دژ تمام کردند و زجرود سال ۵۱۰ هجری.<sup>۹</sup>
۴. الموت و میمون دژ از قلاع رودبار که به خزان و ذخائر مشحون بود.<sup>۱۰</sup>
۵. او چون در یک روز چندین لشکر بی‌حد و مرز بر مدار قلعه مذکور و شهرستان الحاد و فجور به هم پیوست و آن قلعه‌ای بود که هنگام استیلاء و استعلاء کار آن طایفه پدرش علاءالدین به حکم آن که (یا هامان ابن لی صرحا لعلی ابلغ الاسباب اسباب السموات) بکفات و ارکان اشارت کرده بود تا

مدت دوازده سال قلال و تلال آن جبال را مطالعه می‌کردند تا آن کوه سرفراز را که با عبوق راز می‌گفت اختیار کردند و بر قله آن سه چشمه آب در دهان و دو سه دیگر بر کمرگاه داشت قلعه میمون دژ آغاز نهادن و فصول و دیوارها را به گچ و سنگ ریخته ساختند و از ماورای آن به مقدار یک فرسنگ جویی چون جوی ارزیز برکشیدند و آب در اندرون آوردند و در آن موضع از افراط سرما حیوان را از ابتدای خریف تا میان بهار امکان آرام و مکان مقام مسیر نه<sup>۱۱</sup> الخ.

۶. و در ربیع الاول ۴۹۷ هجری میمون دژ را فرمود بنا نهادن، و همچنین همه خرنز در آن نزدیکی انشاء کردند.<sup>۱۲</sup>

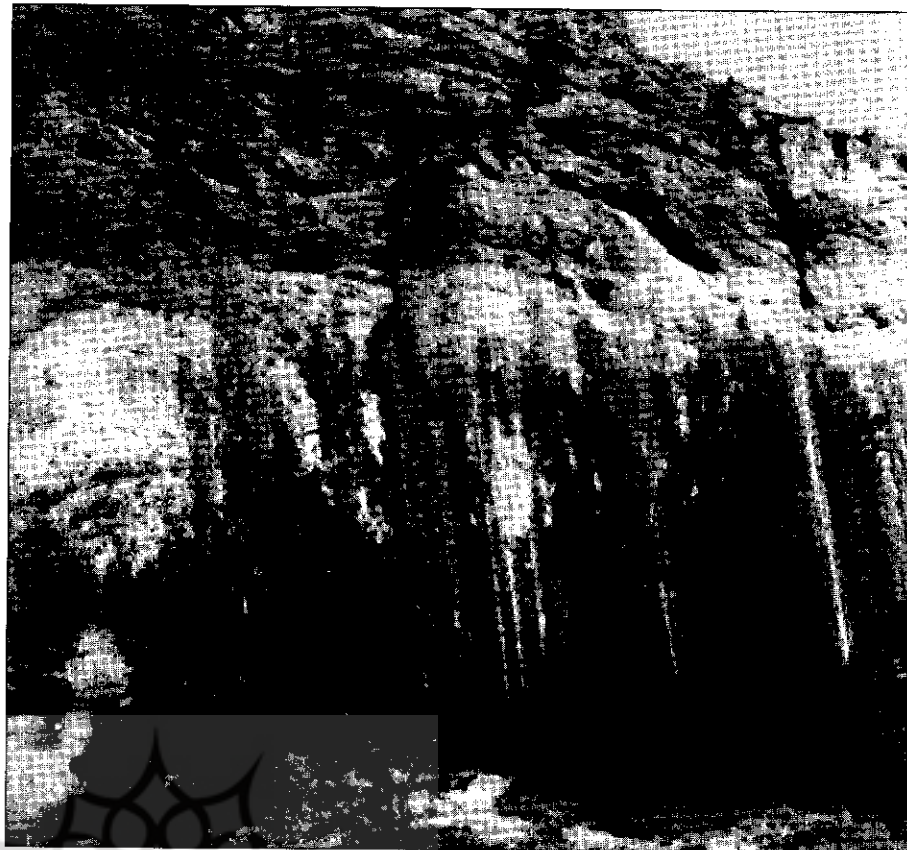
۷. در فتحنامه الموت آمده است «که از جانب اسپینار که یمن بود بوقا تیمور و از طرف الموت که یسار بود پادشاه زادگان بلغای و توتار در رسیدند.» اگر منظور از اسپینار همان منطقه اسپینار<sup>۱۳</sup> مازندران است که قلعه میمون دژ بر اساس این فرض احتمالاً در منطقه‌ای خارج از رودبار الموت بوده است و اگر ده همنام سفیدآب را که از دهات رودبار است در نظر بگیریم، بر این فرض قلعه موجود در اندج هم می‌تواند همان قلعه میمون دژ باشد.

براساس اشارات شماره اول تا ششم ساخت قلعه میمون دژ هم به حسن صباح و هم به کیابزرگ امید و هم به علاءالدین محمد نسبت داده شده و بر این اساس ادعای جوینی در تاریخ جهانگشا (مورد پنجم) بر اینکه ۱۲ سال ساخت قلعه طول کشیده و بانی آن علاءالدین محمد است محل تردید دارد، و فرض صحیح این است که پذیریم ساخت قلعه به امر حسن صباح و به دست کیابزرگ امید انجام شده است و بقیه مطالب جوینی در مورد ساخت قلعه سخن‌پردازی محض بوده است.

در مورد ششم از مکان خرنز نام برده شده است که به یقین همان محل فرند دبه یا فرندج است که در منتهای باریک دره اندج‌رود قرار دارد و در سوی باختر آن اطاقی در دیواره کوه در سه متری از زمین و برابر آن در خاور دره در بالای کوه آثار دژ ویرانی که از سنگ و گچ ساخته شده، قرار دارد.<sup>۱۴</sup> این قلعه را نیز می‌توان به عنوان قلعه میمون دژ مورد بررسی قرار داد.

نکته بعدی گردیچ کردن قلعه یا به عبارتی دیگر محاصره دور تا دور قلعه میمون دژ بوده است که جوینی به آن اشاره می‌کند.<sup>۱۵</sup> که این امر در مورد صخره مورد نظر ویلی در شمس کلایه که محیط پیرامون آن شاید از یک فرسخ هم بیشتر باشد، باتوجه به سپاه عظیم مغول و برای محاصره و کوبیدن آن با ادوات قلعه‌گیری و منجنیق عملی بوده است. ضمناً با توجه به شیب جلویی صخره وسیله‌ای با برد زیاد برای کوبیدن قلعه مورد نیاز بوده

کتاب «قلاع حشاشین»  
 نوشته «پیتر ویلی»  
 حاصل سه سفر اکتشافی  
 ویلی و گروهش،  
 طی سال‌های  
 ۱۹۶۱-۱۹۵۹ م / ۱۳۴۰-۱۳۳۸ ه. ش.  
 به مناطق گیلان، دیلمان،  
 اشکور، دره الموت و  
 رودبار است که پایگاه مرکزی  
 نهضت اسماعیلیه  
 در شمال ایران  
 محسوب می‌شده است



نمایی از صخره «میمون دژ»

۲. سفرنامه الموت نوشته خانم فریا استارک (۱۸۸۴-۱۹۹۳ میلادی) محقق فرانسوی، چاپ موری ۱۹۳۱.
۳. سفرنامه هاینریش بروگش سیاح آلمانی در ۱۸۶۰-۱۸۶۱ میلادی.
۴. خاطرات ژولیوس سزار هانسه پزشک آلمانی مقیم ایران.
۵. سازمان حشاشین، مارشال هاجسن (۱۹۶۸-۱۹۹۲ میلادی).

علاوه بر این برخی مقالات مندرج در دائرةالمعارف اسلام و مجله انجمن جغرافیایی سلطنتی انگلیس، دیدار با برخی محققان انگلیسی، ملاقات با ولادیمیر آنکسیویچ ایوانوف (۱۸۸۶-۱۹۷۰ میلادی)، محقق روسی و گفت‌وگو با برخی محققان ایرانی چون دکتر حافظ فرمانفرمایان و دکتر منوچهر ستوده (نویسنده کتاب قلاع اسماعیلیه در رشته‌کوه‌های البرز)، ابوالفضل آل بویه و فردی ناشناس با نام رمزی کا (متن ص ۳۴۸) و برخی افراد محلی مورد استفاده نویسنده بوده است. ملاحظاتی در حواشی مترجم:

در برخی موارد مترجم محترم در تطبیق اسامی مکانها با محل واقعی و مورد بازدید ناموفق بوده منجمله کارمجال<sup>۳</sup> که منظور ده کارنده چال از دهات رودبار بوده است که توضیحی درباره آن داده نشده، دیگر روستای قره‌در<sup>۴</sup> است که مترجم آن را با «ده قره در» از دهات ایلات قاقازان اشتباه گرفته

ساخته<sup>۵</sup> را هم نباید از نظر دور داشت. دیگر اشاره جوینی به برج مرکزی قلعه<sup>۶</sup> است که ما در صخره موسوم به میمون دژ چنین مکانی را نمی‌توانیم بیابیم مگر این که قلعه اصلی میمون دژ در قسمت جلویی صخره بوده باشد که فعلاً اثری از آن موجود نیست و قرار گرفتن قلعه بر روی یک قله بلند<sup>۷</sup> هم بر این مبنا بی‌اساس است، چون این محل یک دیواره سنگی است و تنها در قسمت کوچکی از پایین آن استحکاماتی وجود دارد.

در جهانگشای جوینی ضمن شرح جنگ مغول و اسماعیلیه در پای قلعه میمون دژ به غلطانیدن خرسنگها از بالای قلعه بر سر مهاجمان<sup>۸</sup> اشاره می‌شود که این نیازمند آن بوده که قلعه بر سر کوه بوده باشد و یا اینکه اصل قلعه در قسمت جلویی صخره قرار داشته و مدافعان قلعه از قسمت جلویی قلعه اقدام به چنین کاری می‌کردند و پس از فتح به دست مغولان به طور کامل ویران شده است. به هر صورت نصب منجنيق و پرتاب سنگ منجنيق و یا غلطانیدن خرسنگها از داخل حفره ورودی غارها عملی غیرمعمول به نظر می‌رسد.

ماخذ نویسنده در کار تدوین کتاب:

۱. مهمترین منبع نویسنده کتاب تاریخ جهانگشای عظاملک جوینی است (که خود از همراهان هولاکو در حمله به سرزمین اسماعیلیان در سال ۶۵۴ هجری بوده است)، با ترجمه انگلیسی دکتر بویل.

است. به هر حال با نگاه به سیر تاریخی این فرقه و حملات سپاهیان تولتی به رودبار و الموت طی قرون پنجم تا هفتم هجری قمری، باید توجه داشت شیوه دفاع و حمله در نزد اسماعیلیه براساس عدم تمرکز در نقطه‌ای معین و پراکندگی در قلعه‌های متعدد بوده است. تنها در منطقه رودبار و الموت بین چهل تا پنجاه قلعه<sup>۹</sup> را در اختیار داشته‌اند و علاوه بر این، وجود غارها و تونل‌های متعدد در پیرامون قلاع و روستاها این فرصت را به آنها می‌داده که هنگام حملات احتمالی به یک قلعه خاص به سرعت به کمک محاصره شدگان بشتابند و یا اینکه از مهلکه بگریزند.<sup>۱۰</sup>

نظر ویلی در مورد وجود چشمه و ساخت قلعه با مصالح سنگ و گچ است، که می‌تواند در مورد برخی قلاع دیگر هم مصداق پیدا کند. به هر حال ساکنان هر قلعه در مواقع محاصره و دفاع نیاز به وجود آب‌انبارها و مخازن آب داشته‌اند و در موقع ساخت قلعه هم به این مهم توجه می‌شده است همچون قلعه‌های الموت و لمبسر که در بدنه داخلی و خارجی خود مکانهایی برای جمع‌آوری و ذخیره آب داشته‌اند و در مورد ساخت هر قلعه نیز بانوجه به وضعیت طبیعی و مصالح موجود، سنگ‌های یکپارچه تراشیده یا به طور منظم و یا با استفاده از سنگ و گچ و غیره ساخته می‌شده است. علاوه بر این، ابتکار اسماعیلیه در ساخت قلعه با مصالح پیش

## در زمینه تاریخ شکل گیری و تداوم نهضت انقلابی شیعی اسماعیلیه، کتاب‌های زیادی در طول سده گذشته به رشته تحریر درآمده است. ولی در مورد جغرافیای تاریخی این نهضت و مناطق و قلعه‌های آنان در طول ۱۷۰ سال و اندی که بر مسند قدرت بوده‌اند، هیچ گونه تحقیق مفصل و مبسوطی انجام نشده است

و نام صحیح روستا قوره در است از دهات الموت و نه از دهات قافازان که فاصله مکانی بسیاری با شیر کوه در الموت دارد. دیگر ارتفاع قله علم کوه یا تخت سلیمان می‌باشد که حدود ۴۸۵۰ متر است ولی در متن ۶۴۰۰ تا ۶۴۸۰ متر قید شده (متن ص ۳۴ و ۳۶۸).

### نگاهی به عکسهای کتاب:

عکسهای ارائه شده در کتاب بسیار کم و شامل ۳۱ عکس می‌شود که نیمی از تصاویر مربوط به قلعه سمیران و بناهای پیرامون آن و خرده سفال‌های کشف شده می‌باشد و از بقیه عکس‌ها غارهای شمس کلایه (میمون دژ) ۵ عکس / شویله پل اشکور، قنات لمبسر، مجموعه ۳ عکس / لوتوسان ۳ عکس / ۵ عکس دیگر هم مربوط به اعضای هیأت و مردم است و دو عکس هم که در فهرست تصاویر به آنها اشاره رفته مربوط به گروه شیخی و غارگزنه سوراخ اصولاً در کتاب موجود نیست. به هرحال باتوجه به اینکه گروه اکتشافی مناطق بسیاری را مورد بازدید قرار داده‌اند و علاوه بر عکسبرداری، گاهی فیلمبرداری از بعضی مناطق هم صورت گرفته است، جای تصاویر بسیاری همچون قلعه الموت، لمبسر، نوپرز شاه شیر کوه، شهرک، وشته، اندج، ایلان و قلاع اشکور و مناطق باستانی دیلمان و نیز عکس‌های مربوط به مردم دره و نحوه صعود به صخره میمون دژ (شمس کلایه) و محوطه داخلی غارهای مورد بازدید خالی است.

### نتیجه:

در خاتمه ضمن توضیح این که با نگاهی کلی به محتوای متن، هرچند کتاب را می‌توان از جنبه‌هایی خاص با ارزش تلقی کرد ولی با توجه به اینکه نویسنده کتاب نخواسته و یا نتوانسته تمام زوایای سفر اکتشافی گروه پیتر ویلی و نتایج کار هیأت را به طور آشکار بیان کند، همین مسأله در کل متن تأثیر گذاشته و علاوه بر آن انگیزه و اهداف کاری هیأت را زیر سؤال می‌برد. مضاف بر این که پس از چهل سال هنوز هیچ‌گونه اطلاعات دیگری درباره نتایج کار این هیأت منتشر نشده است.

در زمینه تحقیقات داخلی هم به جز توجه جویندگان گنج و عتیقه طی چهل سال اخیر و قبل از آن توجه خاصی به این منطقه نشده مگر نوشتن مقالاتی چند در مجلات و روزنامه‌های محلی. باری امید است شروع تحقیقات سازمان میراث فرهنگی در منطقه الموت و بخصوص رودبار بتواند راهگشایی برای شناخت بیشتر این منطقه باشد.

### پی نوشت‌ها:

۱. عنوان اصلی کتاب *The Castles of Assassins* است.
۲. سفری به دیار الموت لرستان و ایلام، تألیف فریا استارک، ترجمه علی محمد ساکی، علمی، تهران، چاپ سوم ۱۳۶۴، ص ۲۲۹-۲۳۳.
۳. لازم به توضیح است که واژه میمون دژ (میمون دج) پیش از سفر این هیأت اکتشافی بین اهالی مرسوم نبود و با آموختن این هیأت این واژه معمول شده است که بر مجموعه غارهای صخره شمس کلایه اطلاق می‌شود. البته غارهای شمس کلایه نزد اهالی هریک نامی خاص خود دارند در این مورد نگاه کنید ذیل آقای چنگیز شیخی در آخر همین کتاب.
۴. مقدمه ویلی بر کتاب حاضر و نیز فصول سوم و چهارم کتاب.
۵. قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز، نوشته منوچهر ستوده، ظهوری، تهران، ۱۳۶۲، صص ۱۰۸-۱۲۳.
۶. همانجا.
۷. زبده‌التواریخ، جمال‌الدین ابوالقاسم کاشانی محاسب، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۷۰.
۸. جامع‌التواریخ (قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و نزاریان و داعیان و ریفقان)، تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرس (زنجانی)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۳۵.
۹. جامع‌التواریخ، پیشین، ص ۱۳۸.
۱۰. مجمع‌التواریخ سلطانیه (قسمت خلفاء علویه مغرب و مصر و نزاریان و ریفقان از تاریخ حافظ ابرو)، حافظ ابرو، به اهتمام محمد مدرس زنجانی، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۷۰.
۱۱. تاریخ جهانگشای جوینی، عطاملک جوینی، با

حواشی علامه محمد قزوینی، بامداد تهران، چاپ دوم ۱۳۶۴، جلد سوم، ص ۱۲۲-۱۳۲.

۱۲. زبده‌التواریخ، پیشین، ص ۱۵۸.

۱۳. همان، ۲۲۷ (اسپیدار) / مجمع‌التواریخ سلطانیه، ۲۲۷ (اسپیدار) / قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز، ص ۱۲۰ به نقل از نسوی در سیرت جلال‌الدین منگبرنی: «وهی امنع ناحیه من نواحی مازندران ذات دربندات و مضایق» و به نقل از یاقوت در معجم البلدان: «ولایه علی بحر دیلم تشتمل علی قری واسعه و اعمال».

۱۴. قیام مسلحانه دهقانان الموت، سید ضیاءالدین

الموتی، تهران، ۱۳۵۹، ص ۲۰-۲۱.

۱۵. تاریخ جهانگشای جوینی، پیشین، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۱۶. تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، به کوشش عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۵۷۳.

۱۷. وجود غارها و کنده‌کاری‌های بسیار در کوه‌های منطقه‌الموت و خصوص رودبار موید این مدعا است. از این جمله غارهای موجود در سفیدآب، رشکین، میلک، غار ملک‌شاه در ده هیردر منطقه رودبار، غار حاجت‌خانه در روستای اکوجان در منطقه رودبار، غارهای منطقه شمس کلایه و بسیاری غارهای دیگر. که بنا بر نقل محلی‌ها در گذشته برخی از قلعه‌ها با تونل به هم مربوط بوده‌اند. در کتاب نیز، ویلی حکایتی را درباره رفتن اهالی از غار شمس کلایه به منطقه اندج نقل می‌کند.

۱۸. آثار البلاد و اخبار العباد، زکریا بن محمد قزوینی،

ترجمه محمدمراد بن عبدالرحمان، تصحیح سیدمحمد شاهمرادی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳.

۱۹. تاریخ جهانگشای جوینی، پیشین، ص ۱۲۵.

۲۰. قلاع حشاشین، پیشین، ص ۲۹۳.

۲۱. همان، ص ۱۳۱.

۲۲. فرهنگ جغرافیایی قزوین، انتشارات سازمان جغرافیایی تهران، ۱۳۷۸، جلد ۲۶، ص ۴۴۷. کارنده چال از دهات دهستان رودبار محمد زمانخانی بخش رودبار، شهرستان قزوین.

۲۳. همان، ص ۲۲۷. غوره‌در با نام جدید

سلیمان‌آباد از دهات دهستان الموت بالا بخش رودبار الموت شهرستان قزوین.